

بازتاب حماسه عاشورا در اشعار برخی از شعرای عصر عباسی

ابراهیم فلاح

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۵/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۵/۱۹

چکیده

ادبیات در قلمرو شعر و شاعری در میان شیعیان از آغاز، جایگاهی بس بلند داشته است. شاید پشتیبانی فرهنگی و تشویق ائمه معصومین (ع) نسبت به شاعران متعهد و هم چنین اثربخشی عمیق شعر در روح و روان انسان‌ها، انگیزه‌ای شد تا برخی از شاعران تلاش کنند تا با زبان رسای شعر، حقیقت رهبران الهی و حقایق پنهان را به فرهنگ جامعه منتقل سازند، و به دنبال جلب رضایت خدا و اعلام دوستی اهل بیت (ع) و وصول به اجر اخروی باشند نه تکسب. از سوی دیگر عمق فاجعه‌ی کربلا و حماسه‌ی عاشورا عامل مهمی بود که شعرا و ادبا را تحت تأثیر قرار داد.

این مقاله با عنوان «بازتاب حماسه عاشورا در اشعار برخی از شاعران عصر عباسی» در صدد است تا انعکاس آن فاجعه‌ی بزرگ را در دیوان چند تن از شعرای پیشتاز مورد بررسی قرار دهد. حاصل آن که شاعران حسینی عصر عباسی، حماسه‌ی خونین کربلا را در آینه‌ی شهادت و در سیمای نجابت به هم پیوند دادند، تا کُلّ یوم عاشوراء و کُلّ ارض کربلا تحقق یابد.

واژه‌های کلیدی: عاشورا، شیعه، شعرای عصر عباسی، اهل بیت.

مقدمه

اهمیت شعر و جایگاه آن از دیرباز مورد توجه شعرا بوده است، زیرا هر فکر و فرهنگی که به زبان شعر درآید، در طول زمان جاودانه خواهد ماند و از طرفی چون شعر و ادبیات هر قوم با هر مکتب و آیین، آینه‌ی تمام‌نمای افکار و باورها و گرایش‌های آن است. لذا شعر «شیعی» در طول تاریخ ادب، همانند زبان گویای مردم به عنوان رسانه‌ی همگانی که نماد تفکر و اعتقادات و فرهنگ مکتبی شیعه می‌باشد در آینه ادبیات آیینی شاعران ولایی شیعی متجلی است. آبشخور زلال و پایان‌ناپذیر شعر شیعی غدیر خم است؛ که شاعران نامور از جمله حسان بن

ثابت که در روز خم به اذن پیامبر (ص) برخاست و واقعه‌ی غدیر را سرود. (طوسی، ۱۳۸۱، ۲۸۹) تا زمان حاضر، اشعار فراوانی درباره‌ی غدیر و امامت علی (ع) سروده شد. و بعد از شعر غدیر، شعر عاشورا توسط شاعران حسینی که از همان روز عاشورا پدید آمد، همراه و همسوی شعر غدیر گردید.

حماسه‌ی عاشورا عصاره‌ی تلاش و جهاد همه‌ی انبیاء و اولیاء در طول تاریخ است، چنان که سرزمین کربلا، زبان گویای همه‌ی زمین‌هایی است که پذیرای قدم قدسیان بوده و خون پاکشان را به جان نیوشیده‌اند. از این رو در تحدی با رموز مقدس تاریخ، پیروز و سرافراز می‌درخشد. شعرا و ادبا نیز این رموز را در آن زمان و مکان و در قهرمان بزرگش مجسم می‌بینند، و لذا با مقوله‌ی شعر به دلیل قدرت نفوذ بسیار، فراگیری همه‌ی اقشار، توان عاطفی سرشار احساس خویش را بیان نمودند و در حقیقت با سروده‌هایشان بخشی از ادبیات غنی شیعه را به وجود آوردند. و تصویری درخشان از مظلومیت، حقانیت و عظمت خاندان پیامبر(ص) را ارائه نمودند. تشویق و تکریم امامان شیعه نسبت به شاعران متعهد و با اخلاص، موجب نضج و شکوفایی شعر شیعی گردید.

در همین رابطه امام صادق (ع) می‌فرماید: «من قال فینا بیتاً من الشعر بنی الله له بیتاً فی الجنة» (صدوق، ۱۳۸۰، ج ۱، ۵): [هرکس در ما یک بیت شعر بگوید، خداوند خانه‌ای در بهشت برای او قرار می‌دهد].

امام رضا (ع) شاعران متعهد معاصر خود را گرمی می‌داشتند و به آنان هدایای مادی و معنوی می‌دادند. هنگامی که ابراهیم بن عباس صولی در مرو خدمت حضرت شرفیاب شد، بعد از این که اشعاری درباره‌ی اهل بیت (ع) سرود، امام رضا(ع) بیست هزار درهم که اسم شریفش بر آن‌ها بوده به ابراهیم بخشید و ابراهیم همیشه مقداری از آن درهم را داشت تا از دنیا رفت. (شریف مرتضی، ۱۳۷۳، ج ۱، ۴۸۵)

عظمت و جاودانگی امام حسین (ع) و نهضتی که بنیان نهاد، هم چنین تأثیراتی که واقعه‌ی عاشورا در فکر و احساس بشریت ایجاد کرد، شاعران عصر عباسی را بر آن داشت تا از بازتاب این مهم، در ادب عصر عباسی با زنده داشت این الگوهای قهرمانی و حماسه‌ی بی‌نظیرشان اهتمام نمایند و ادبیات عاشورایی را، که از غنی‌ترین ذخیره‌های فکری و احساسی شیعه است، پدید آورند.

حماسه‌ی عاشورا، اسطوره‌ی شعر شیعی

«شعر عاشورا» یا به عبارت دیگر «شعر حسینی» یکی از عاطفی‌ترین، تأثیرگذارترین و صادق‌ترین اشعار در ادب عربی و همچون نگینی درخشان در حلقه‌ی ادبیات مکتبی است. شعر

حسینی، سینه به سینه، جزئیات حماسه‌ی عاشورا و مقتل امام حسین(ع) را به نسل بعد منتقل کرد و این امر موجب جاودانگی متقابل شعر و پویایی حماسه‌ی کربلا گردید. شاید به جرأت بتوان ادعا کرد در کمتر حادثه‌ای، شاعران به سان این حادثه به میدان آمده و با سوز و گداز درونی و حماسه و خروش بیرونی از واقعه سخن گفته باشند! ضربه بیدارگری که امام حسین(ع) بر غیرت خفته دینی نواخت، شور و سوز احیای سنت پیامبر(ص)، عطش حاکمیت صالحان را در جامعه زنده کرد و در قالب اشعار حماسی به دامان ادب ریخت.

ادبیات عاشورایی، از غنی‌ترین ذخیره‌های فکری و احساسی شیعه است، از سوی دیگر حماسه کربلا هم، در زبان شعری شاعران تأثیر نهاده و ادبیات رثایی و قصاید سوزناک، و خطابه‌های آتشین و سوگ سروده‌های مذهبی را غنای ویژه بخشیده است. آذین بندی سخن و شعر به فضایل و مناقب ائمه (ع) همواره مورد توجه شعرا و نویسندگان بوده و به گونه‌ای بیانگر اعتقاد و احترام به این بزرگواران و حریم ولایت و امامت است و از طرفی نیز موجب ماندگاری نام شاعر است.

برخی از شعراء با یک شعر عاشورایی، شهره و جاوید گشته‌اند؛ همچون محتشم کاشانی و ترکیب بند ماندگار او با مطلع: باز این چه شورش است که در خلق عالم است. (حجازی، ۱۳۸۰، ۲۲-۱۵۰) که نظیری برای آن متصور نیست.

امام صادق (ع) به ابوهارون مکفوف فرمود: «ای ابوهارون درباره‌ی امام حسین شعری بخوان، ابوهارون نقل می‌کند که من هم اشعاری را قرائت کردم. حضرت فرمود: آن گونه که شعر می‌خوانند، بخوان یعنی با احساس.....» می‌گوید من نیز خواندم:

أمرُّ علی جدِّ الحُسینِ و قُلْ لَأَعْظِمَهُ الزَّكِيَّةَ...

(سید حمیری، ۱۴۲۰، ۲۲۶)

ترجمه: بر مرقد حسین(ع) گذر کن و به استخوان‌های پاکیزه بگو... آن گاه حضرت گریه کرد و گفت: باز هم بخوان، قصیده دیگری خواندم، حضرت گریست و صدای گریه از پشت پرده نیز به گوش می‌رسید. پس از اتمام اشعار، حضرت فرمود: ای ابوهارون! هر کس در مورد حسین شعری بخواند، گریه کند و ده نفر را بگریاند، بهشت بر او واجب می‌شود، هر کس پنج نفر را بگریاند چنین است و هر کس یک نفر را بگریاند، برای هردو بهشت واجب می‌شود. «قمی، ۱۳۷۵، ۵؛ شبر، ۱۴۰۹، ج ۱، ۲۳۴». و یا حضرت رضا (ع) به شاعر بزرگ شیعه، دعبل خزاعی می‌فرماید: «ای دعبل! برای حسین بن علی مرثیه بگو، چرا که تو تا زنده‌ای، یاور و ستایشگر مایی، پس تا می‌توانی از یاری ما کوتاهی مکن» (بروجردی، ۱۳۷۱، ج ۱۲، ۵۶۷) این اشارات صریح، گویای آن است که «شعر عاشورا» به نوعی در مسیر و خط نصرت

اهل بیت پیامبر (ص) و ترویج افکار و مکتب این خاندان به شمار می‌آید. بی‌جهت نیست که شاعران حسینی، پیوسته در معرض خطر جانی و تهدید و آزار جدی از سوی حکام جور بوده‌اند. به عنوان نمونه: هنگامی که هارون الرشید قصیده‌ی منصورالنمری را در رثای امام حسین (ع) می‌شنود، به شدت خشمگین می‌گردد و یکی از کارگزاران خود به نام ابوعصمه را به سرعت به رقه می‌فرستد. تا او را دستگیر کنند، زبانش را ببرند و سرش را برای او بیاورند. هنگامی که ابوعصمه به دروازه شهر می‌رسد جنازه‌ی نمری را می‌بیند که از شهر خارج می‌کنند باز می‌گردد و خبر وفات او را به هارون الرشید می‌رساند. هارون او را توبیخ می‌کند: چرا وقتی جنازه‌ی او را دیدی آن را به آتش نکشیدی؟! (خزعلی، ۱۳۸۳، ۶۵) این تهدیدها و فشارها به این علت بود که، شعر عاشورا، اغلب انتقال دهنده‌ی فرهنگ شهادت و خط حمایت از خاندان مظلوم پیامبر (ص) بوده است.

مقابله و فشار حکومت‌ها، نه تنها از رشد و انتشار شعر حسینی نکاست که بر حرارت و سوز آن افزود، به گونه‌ای که شعرای شیعی با از جان گذشتگی و اخلاص به این فن رو آوردند.

نگاهی به شاعران عاشورایی عصر عباسی

از جمله حرکت‌های دلاورانه‌ای که از شجاعت و بی‌باکی شاعران در قرون اولیه پس از عاشورا حکایت می‌کند، بیان مصایب امام حسین (ع) و حمایت از قیام حضرت در شعر و ادب است، امری که موجب تضییق، تهدید و آزار شاعر و خانواده او می‌شد.

قدرت‌های حاکم، با وجود سیاست‌های متفاوت - چه در عصر اموی و چه در عصر عباسی و پس از آن - به خوبی به خطر این گونه اشعار واقف بودند، زیرا تأثیری که این اشعار در تحکیم ارتباط دین و مبارزه و آمیختگی عاطفه و جهاد داشت، بر کسی پوشیده نبود؛ این امتزاج به ناچار مشروعیت حاکمان سلطه طلب را زیر سؤال می‌برد (شمس‌الدین، ۱۴۱۷، ۱۴۰) از همین روست که مرثیه‌های حسینی در خفا و منزل راه رشد و انتشار را می‌یابد.

شاعران عرب در قرون اولیه پس از عاشورا با بیان مصایب حسین (ع) و حمایت از قیام حضرت در شعر و ادب، دلاورانه وارد عرصه شدند. سید اسماعیل حمیری، دعبل خزاعی، منصور نمری، عبدی کوفی و ده‌ها تن شاعر دیگر کوشیدند این مشعل را فروزان‌تر کنند و مظلومیت آل علی (ع) و ستم آل ابوسفیان را هرچه بیشتر نشان دهند و با این که سرودن چنان اشعاری در آن روزگار بیم جان در پی داشت نه نان، شاعران شیعی برای رضای خدا از مرگ نهراسیدند. طلایه‌دار شاعران عصر عباسی، سید حمیری است که مراثی وی برای شهیدان «طف» همواره منبع الهام شاعران بوده است؛ ذکرش در تمام لحظه‌ها حسین است. این چنین با بدن‌های مبارک به هنگام عبور از کنار مزارشان راز و نیاز می‌کنند:

مُرُّ عَلٰی جَدَّتِ الْحُسَيْنِ فُقُلٌ لِأَعْظَمِهِ الزَّكِيَّةِ
يَأْأَعْظُمًا لَازَلْتِ مِنْ وَطَفَاءٍ سَاكِبَةٍ رَوِيَّةِ
مَا لَدَّ عَيْشٍ بَعْدَ رَضٍّ كِ بِالْجِيَادِ الْأَعْوَجِيَّةِ
قَبْرٌ تَضْمَنَ طَيِّبًا أَبَاؤُهُ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ...

(سیدحمیری، ۱۴۲۰، ۲۲۶)

ترجمه: بر قبر حسین (ع) بگذر و به استخوان‌های پاک او بگو: ای استخوان‌هایی که هنوز تر و تازه و شاداب هستی، پیوسته باران رحمت بر شما روان و ریزان باد. زندگی بعد از خرد شدن شما در زیر شام اسبان لذتی ندارد، قبری که بوی خوشی دارد و پدران‌ش از بهترین مردمان هستند.

شاعری دیگری که در این عصر به خاندان پیامبر (ص) و امام حسین (ع) عشق می‌ورزید، خالد بن معدان طائی است که درباره‌ی حماسه کربلا چندین قصیده دارد و در عزای امام حسین (ع) چنین می‌سراید:

جَاؤُوا بِرَأْسِكِ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ مُتْرَمَلًا بِدِمَائِهِ تَرْمِيلاً
وَكَأَنَّمَا بِكَ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ قَتَلُوا جِهَادًا عَامِدِينَ رَسُولًا
قَتَلُوكَ عَطِشَانًا وَ لَمَّا يَرْقَبُوا فِي قَتْلِكَ التَّنْزِيلَ وَالتَّأْوِيلَا
وَيَكْبُرُونَ بِأَنْ قَتِلْتَ وَ أَمَّا قَتَلُوا بِكَ التَّكْبِيرَ وَ التَّهْلِيلَا

(شیر، ۱۴۰۹، ج ۱، ۲۸۸)

ترجمه: ای پسر دختر پیامبر (ص) سرت را غرق در خون آوردند؛ گویی با کشتن تو، آنان آشکارا پیامبر (ص) را کشته‌اند. تو را تشنه کشتند و در قتل تو پروایی از قرآن و از تنزیل و تأویل نداشتند. آنان که تو را کشته‌اند، برای کشتنت تکبیر می‌گویند. حقیقت این است که با قتل تو تکبیر (الله اکبر) و تهلیل (لا اله الا الله) را کشته‌اند. کراچکی در رساله‌ای که با عنوان «کتاب التعجب» نوشته است، نکات تلخ و عبرت آموزی را بیان کرده است:

«خانواده‌هایی در شام، پس از حادثه کربلا با عناوین تازه‌ای معروف شدند. مانند بنو السرج و بنو السراویل و بنوالمکبری. ... بنو السراویل، فرزندان کسانی بودند که لباس امام حسین (ع) را بر داشته بودند. بنو السرج، فرزندان آنانی بودند که بر پیکر امام حسین (ع) اسب تاختند و بنوالمکبری، فرزندان کسانی بودند که پشت سر نیزه‌داری که سر امام حسین (ع) را حرکت می‌داد، تکبیر می‌گفت.» (کراچکی، بی تا، ۳۴۹ و ۳۵۰) در بیت آخر اشاره به بنوالمکبری می‌کند. دعبل خزاعی شاعر متعهد و ملتزم آستان امام علی بن موسی الرضا (ع) است. او قصیده‌ی

تائیه‌ای دارد که به «مدارس الآیات» مشهور است. بلندترین شعری است که دعبل در مدینه سروده بود و سوز درونی شاعر، در تک‌تک ابیات این قصیده‌ی غرّاً و جاودانه شعله می‌کشد. این قصیده که حماسه‌ی تاریخ بنی هاشم و منقبت‌نامه‌ی آل علی (ع) است، بسیار مورد توجه امام رضا (ع) قرار گرفت و «چنان زبانزد خاص و عام و کوچک و بزرگ گشته بود که حتی راهزنان نیز آن را از بر داشته، جنیان نیز آن را در گوش یکدیگر زمزمه می‌کردند» (وسمقی، ۱۳۷۱، ۱۲) اهمیت این قصیده فراوان است چون دعبل با توصیه‌ای که امام رضا (ع) به او نمود، آن را سرود. «یا دعبلُ ارث الحسین علیه السلامُ فَأَنْتَ نَاصِرُنَا وَ مَدِحُنَا مَادُمْتَ حَيًّا فَلَا تُقْصِرْ عَن نَّصْرِنَا مَا اسْتَطَعْتَ» (بروجردی، ۱۳۷۱، ۵۶۷) ترجمه: ای دعبل، برای امام حسین (ع) مرثیه بگوی. تو یاور و مددکننده ما هستی مادامی که زنده هستی از یاری ما کوتاهی نکن تا آنجا که می‌توانی.

به همین دلیل دعبل در مرثیه‌ی خود از یک‌یک شهدای اهل بیت (ع) با ذکر مدفن آن‌ها یاد می‌کند و فاطمه علیها السلام را به ندبه و زاری بر آنان دعوت می‌کند:

أَفَاطِمُ! لَوْ خَلَّتِ الْحُسَيْنُ مُجَدِّلاً
وَقَدَمَاتِ عَطْشَانًا بِشَطِّ فِرَاتِ
إِذَا لَلَطِمْتَ الْخَدَّ فَاطِمُ عِنْدَهُ
وَأَجْرِيَتْ دَمْعَ الْعَيْنِ فِي الْوَجَنَاتِ

(خزاعی، ۱۴۱۴، ۴۱ و ۴۲)

ترجمه: ای فاطمه اگر گمان می‌کردی که روزی حسین تو در کنار شط جاری فرات، لب تشنه جان خواهد داد، بی دریغ بر چهره می‌کوفتی و سیل اشک از دیده جاری می‌کردی!

أَلَا فَابْكِهِمْ حَقًّا وَ أَجْرٍ عَلَيْهِمْ
وَلَا تَنْسَ فِي يَوْمِ الطُّفُوفِ مُصَابِهِمْ
وَ صَلَّى عَلَى رُوحِ الْحُسَيْنِ وَ جَسَمِهِ
طَرِيحاً لَدَى النَّهْرَيْنِ بِالْفُلُواتِ
عُيُوناً لِرَيْبِ الدَّهْرِ مُنْسَكَبَاتِ
وَ دَاهِيَةً مِنْ أَعْظَمِ النَّكَبَاتِ

(شیر، ۱۴۰۹، ج ۱، ۳۰۶)

ترجمه: هان بر آنان حقیقتاً گریه کن و اشک را از چشمانت جاری کن برای اشک و تردید روزگار، فراموش نکن در روز طف (عاشورا) مصایب‌شان را و بدیهی است از بزرگترین بلاهاست. درود بر روح و جسم حسین که در کنار شط دجله و فرات در صحرا افتاده است.

بنابراین قصیده‌ی تائیه‌ی دعبل، طومار محکمی از جرایم و جنایات بنی‌امیه و بنی‌عباس و یک سکه‌ی تاریخی است که تا ابد باقی خواهد ماند.

قرن چهارم تا ششم - که به دوران شکوفایی شعر و ادب شهرت دارد - تعدادی از بهترین شاعران حسینی را در خود پرورانده است؛ چهره‌هایی مانند صنوبری، کشاجم، ابوفراس، ابن هانی، شریف رضی، مهیار دیلمی و طلائع بن رزّیک و ... در این دوره درخشیدند و آثار ماندگار از خود بر جای نهادند.

تشکیل دولت‌های شیعی یا متمایل به تشیع، موجب پدید آمدن آزادی نسبی در برخی سرزمین‌های عربی گردید و این امر زمینه طرح بسیاری از مسایلی که جو حاکم مانع طرح‌شان بود را فراهم می‌ساخت.

در این دوره مسأله خون‌خواهی حسین (ع) نسبت به دوره‌ی گذشته - که عمده‌ی حملات متوجه بنی‌امیه بود - تغییر شکل می‌دهد و در بخشی از سروده‌ها، نوک تیز حمله را متوجه بنی‌عباس می‌کند و جرایم بنی‌عباس را کمتر از بنی‌امیه نمی‌داند. منصور بن بسام البغدادی معتقد است: «اگرچه بنی‌عباس در واقعه کربلا حضور نداشتند، اکنون برای جبران گذشته به خراب کردن قبر امام حسین (ع) می‌پردازند» (شمس‌الدین، ۱۴۱۷، ۱۶۶) و در این باره چنین سروده است:

تالله ان كانت امية قد اتت	قتل ابن بنت نبیها مظلوما
فلقد اتاه بنو امیه بمثله	هذا لعمرك قبره مهذوما
اسفوا علی الا یكونوا شایعوا	فی قتله فتتبعوا رمیما!

(شبر، ۱۴۰۹، ج ۱، ۲۱۷)

ترجمه: به خدا سوگند اگر بنی‌امیه پسر دختر پیامبرشان را مظلومانه شهید کردند، بستگان او (بنی‌عباس) هم، همان کار را کردند و قبر آن حضرت را خراب کردند. آن‌ها از این که در کشتن وی با بنی‌امیه همکاری نکردند، افسوس می‌خورند و به جست و جوی بقایای جسد او پرداختند. سید رضی نیز درباره‌ی حماسه کربلا قصایدی دارد که با طنین غم‌انگیز و تعبیرات دردآلودش در صدر مرثیه‌های این دوران است. «وی از افتخارات خاندان عترت و پیشوایی در علم حدیث و چهره‌ی درخشانی از چهره‌های آیین و مذهب است که به امام حسین (ع) و قیام عاشورایی او عشق می‌ورزد». (امینی، بی‌تا، ج ۴، ۱۸۱)

سید رضی در نجوایی که با امام حسین (ع) دارد در آغاز ابیاتش کربلا را مورد خطاب قرار می‌دهد و آن را شاهد معرفی می‌کند که خون عاشقان تقدیم معبودشان شد. و در این باره چنین سروده است:

کربلا لا زلت کرباً و بلا	مألقى ع ندک آل المصطفی
کم علی تربک لما صرّ عوا	من دم سال و من دمع جری
کم حصان الذیل یروی دمعها	خدها عند قتیل بالظما

(شریف‌الرضی، ۱۳۸۰، ج ۱، ۴۴)

ترجمه: ای کربلا به خاطر پیشامدهایی که در تو برای آل مصطفی (ص) رخ داد، همیشه با رنج و بلا همراه هستی. چقدر بر خاک تو هنگامی که شهدا بر زمین افتادند از خون‌ها و

اشک‌هایی که جاری شد. چقدر زنان پاکدامن که اشک‌شان بر گونه‌هایشان جاری می‌شود نزد کشته‌شدگانی که تشنه شهید شدند.

... قتلوه بدم بعد علم منهم
 آنه خامس أصحاب الکسا
 غسلوه بدم الطعن وما
 کفنه غیر بوغاء الثری

(ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۴، ۱۲۲)

ترجمه: امام را شهید کردند با این که می دانستند پنجمین فرد از اصحاب کسا است و او را با خون نیزه‌ها غسل دادند و او را با خاک کفن کردند.

نیز برادرش «سید مرتضی» یکی دیگر از شاعران حسینی است که بی طاقتی خویش را ابراز می‌کند و درباره حماسه کربلا چنین می‌سراید:

أیا یوم عاشوراء کم من فجیعة
 علی الغر آلله کنت نزولا...
 قتیلاً و جدنا بعدة دین احمد
 فقیداً و عز المسلمین قتیلاً

(شیر، ۱۴۰۹، ج ۳، ۲۶۵)

ترجمه: ای روز عاشورا چه بسیار حادثه ناگوار بر نور چشم خاندان عترت فرود آوردی شهیدی که با فروافتادن قامتش دین احمد فرو افتاد و عزت مسلمین پایمال شد.

مهیارالدیلمی یکی از شاعران پرآوازه عصر عباسی است که از شاخه‌های شکسته در تندباد کربلا که کینه دشمنان چنین سرنوشتی را برایشان رقم زده، سوگوارانه و صادقانه می‌سراید:

... و لیس صدیقی غیر الحزین
 لیوم «الحسین» و غیر الأسوف
 هو الغصن کان کمیناً فهب
 لدی «کربلا» بریح عصفوف
 قتیلاً به تار غل النفوس
 کما نغر الجرح حک القروف

(دیلمی، ۱۳۴۵، ج ۲، ۲۶۲ و ۲۶۳)

ترجمه: و بار و یاور من برای روز عاشورا به جز غم و اندوه و تأسف نیست. کینه‌ی دیرین در کمین بود و به روز عاشورا در کربلا طوفانی سهمگین به پا کرد؛ و شهیدی بر جای نهاد که کینه‌ی انسانها را بر آشفته؛ چونان که جراحت را با سرانگشت به خون بیالایند.

در صحرای کربلا، بزرگ‌ترین حماسه انسان رقم خورده بود، حماسه‌ی عشق، حماسه‌ی هویت انسانی. انعکاس این مهم در شعر شاعران که به زنده داشت این الگوهای قهرمانی و حماسه‌ی بی‌نظیرشان پرداختند، در حقیقت بر شعرشان مهر جاودانه زد. حماسه عاشورا حقیقت قصه‌ی غم عشق است که همواره نامکرر است. هرچند اگر سخن به تکرار هم گفته شود عاشورا، آن چنان سرشار از طراوت و سرزندگی است که اگر هر روز و شب نیز از آن گفت و گو شود، از تازگی و لطفش کاسته نمی‌شود. از جمله شاعران بلند آوازه و شاعر آل محمد(ص)

ابوفراس حمدانی است که می‌گوید حماسه کربلا آنقدر دردناک است که خورشید درخشان، دگرگون شده و خون گریست و در این باره سروده است:

يَوْمٌ تَغَيَّرَتْ شَمْسُ الضُّحَى وَبَكَتْ دَمَامًا رَأَتْهُ سَمَاهُ
لَا غَدَرَ فِيهِ لِمُهْجَةٍ لَمْ تَنْفَطِرْ أَوْذَى بُكَاءٍ لَمْ تَفُضْ عَيْنَاهُ

(دُخَيْل، ۱۴۲۴، ۷۲)

ترجمه: روزی که خورشید نیمروز دگرگون شد و خون گریست از آن چه که آسمان شاهد آن بود هیچ عذری نیست برای قلبی که پاره نشد یا صاحب گریه‌ای که چشمانش نگریست. حماسه‌ی عاشورا، اسطوره‌ای است که فراتر از بحث دگرگونی حکومت و مقوله‌ی قدرت در قلمرو روح انسان‌ها تغییر و تحوّل ایجاد کرد.

ابوالعلا معری شاعر برجسته و نابینای عرب، که هیچ کس به لطف و ظرافت او صحنه را تصویر ننموده است. شگفت است شاعر و متفکری که هیچ‌گاه آسمان را ندید و پا به دنیای پرتالو رنگ‌ها ننهاد، این‌گونه آسمان و زمین را ترسیم کرد و در رثای علی (ع) و فرزندش حسین (ع) چنین می‌سراید:

وَعَلَى الْدَهْرِ مِنْ دَمَاءِ الشَّهِيدِ نِ عَلِيٍّ وَنَجَلِهِ شَاهِدَانِ
فَهُمَا فِي أَوَاخِرِ اللَّيْلِ فَجْرًا نِ وَفِي أَوْلِيَاتِهِ شَفَقَانِ
ثَبَتَا فِي قَمِيصِهِ لِيَجِيءَ آلَ خَشْرٌ مُسْتَعِدِّ يَا إِلَى الرَّحْمَنِ

(شبر، ۱۴۰۹، ج ۲، ۲۹۸)

ترجمه: بر چهره روزگار، از خون دو شهید، علی و فرزندش، دو شاهد نقش بسته است. آن دو شاهد، در پایان سیاهی شب، سرخی فجر است و در آغاز آن، شفق خون‌رنگ. این سرخی بر پیراهن او نقش شده است، تا در روز قیامت، بر خدای رحمان دادخواهی کند. صاحب بن عبّاد شاعر و ادیب بزرگ، رفتار زشت یزید را با امام حسین (ع) یادآور می‌شود و چنین می‌سراید:

مَنْعُوا حَسِينَ الْمَاءِ وَ هُوَ مَجَاهِدٌ فِي كَرْبَلَاءَ فَفُحِ كُنُوحِ الْمُعْوَلِ
مَنْعُوا أَعْذَبَ مَنَهْلِ وَ كَذَا غَدًا رِدُونِ فِي النِّيرَانِ أَوْخَمَ مَنَهْلِ...
فَأَرَى الْبُكَاءَ مَدَى الزَّمَانِ مُحَلَّلًا وَالضَّحْكَ بَعْدَ السَّبْطِ غَيْرِ مُحَلَّلِ

(ابن عبّاد، ۱۴۲۲، ۵۶)

ترجمه: حسین (ع) را از آب باز داشتند در حالی که او مجاهدی در کربلا بود پس گریه کن با شیون و زاری. او را از گواراترین آب‌شخور بازداشتند و هم چنین گریه و زاری در طول روزگار روا

است و خنده بعد از شهادت حسین (ع) روا نیست.

ناشی صغیر به امام حسین (ع) و حماسه‌ی عاشورای او عشق می‌ورزید و چنین می‌سراید:

بِئْسَ لِكُمْ فِيكُمْ لَيْسَ يَسْمَعُ
فَمَا بُقِعَةٌ فِي الْأَرْضِ شَرْقًا وَ مَغْرِبًا
وَلَيْسَ لَكُمْ فِيهَا قَتِيلٌ وَ مَصْرَعٌ

(امینی، بی تا، ج ۴، ۳۱)

ترجمه: ای زادگان احمد مختار! جگرم در ماتم شما از هم گسیخت. کس نشنید آنچه در این ماتم بر دل من رسید. هیچ بقعه و دیاری در شرق و غرب عالم نیست، جز این که در آن جا شهید و مقتولی را خاک کرده‌اند.

دیک الجن شاعر مشهور شیعی که به خاندان پیامبر (ص) و امام حسین (ع) عشق می‌ورزید، قصاید بسیاری در مدح و رثای آنان سرود (طهرانی، ۱۴۰۸، ج ۹، ۳۳۴). دیک الجن در عزای امام حسین (ع) چنین می‌سراید:

يَا عَيْنُ فِي كَرْبَلَا مَقَابِرُ قَدْ
تَرَكَنَ قَلْبِي مَقَابِرَ الْكُرْبِ
مَقَابِرٌ تَحْتَهَا مَقَابِرٌ مِنْ
عِلْمٍ وَ حِلْمٍ وَ مَنْظَرٍ عَجَبٍ...

(دُخَيْل، ۱۴۲۴، ۶۰)

ترجمه: ای چشم در کربلا قبرهایی است که در قلم قبرهایی از غم و اندوه ایجاد کرده‌اند. قبرهایی که زیر آن قبرهایی است از علم و دانش و بردباری و منظره‌های شگفت‌انگیز... حماسه‌ی عاشورا، واقعه‌ی یگانه تاریخ است. هیچ حادثه و واقعه‌ی دیگری مثل عاشورا اثرگذار نبوده و نیست و «حسین (ع) یک شخصیت حماسی است، اما حماسه انسانیت، نه حماسه قومیت». (مطهری، ۱۳۷۵، ج ۱، ۱۲۰ و ۱۲۱)

ملک صالح طلّاع بن رزّیک یکی از شاعران بلند آوازه عصر عباسی و از شیعیان عراق و در مسند وزارت خلیفه فاطمی الفاتر بالله است. وی اشعار حماسی و احساسی زیبایی درباره‌ی حماسه‌ی کربلا سروده است:

عَصَتِ النَّبِيُّ وَأَصْبَحَتْ
لِسْوَاهِ سَامِعَةٌ مُطِيعَةٌ...
تَحْتَ السَّقِيفَةِ أَضْمَرَتْ
مَا بَا لَطُفُوفٍ غَدَّتْ مُذِيعَةٌ

(ابن رزّیک، ۱۳۸۳، ۹۳)

ترجمه: پیامبر (ص) را نافرمانی و عصیان کرده‌اید و برای دیگران مطیع و شنونده گردیده‌اید. آنچه که در کربلا واقع شد، از دل سقیفه بیرون آمد.

ابن مکی نیلی از ادبا و شعرای مشهور این دوره و از فدائیان عترت طه بود. وی به امام حسین (ع) و حماسه عاشورای او عشق می‌ورزید و به اعتقاد او حماسه کربلا فقط به خاطر انتقام روز بدر به وقوع پیوست:

أبکی علیه و لو أن البكاء علی
سوی بنی احمد مختار ما خلقا...
تا لله کم قصموا ظهراً لیحیدرة
و کم بروا للرسول المصطفی عنقا
والله ما قابلوا بالطف یو مهم
ألا بما یوم بدر فیهم سبقا

(شبر، ۱۴۰۹، ج ۳، ۱۶۹)

ترجمه: بر امام حسین(ع) گریه می‌کنم و اگرچه گریه جز برای خاندان پیامبر (ص) خلق شده است. به خدا سوگند چه بسیار پشت حیدر علی (ع) را شکستند و چه بسیار برای پیامبر (ص) گردن زدند. به خدا سوگند مقابله نکردند در روز عاشورا به خاطر آن چه که در روز بدر از قبل واقع شد.

عماره الیمنی که از فقهای شیعه می‌باشد و دارای تألیفات فراوان در فقه، و ادب است، در بخشی از مرثیه خویش، حرمان خود را از یاری حسین با شمشیر، به مشایعت زبان و گفتار جبران می‌کند:

فأ بذل مشایعة اللسان و نصره
إن فات نصر مُهند و سنان
وَأَجَل حَدِيثَ بَنِي الوَصِيِّ و ظَلَمَهُمْ
تَشِيْبَ شَكْوَى الدَّهْرِ و الخِذْلَانِ

(همان، ۱۸۹)

ترجمه: اینک که شمشیر تیز و سنان خونریز را نوبت جولان نیست، زبان خامه را به نصرت و یاری آزاد کن. حدیث از خاندان علی گوی و ستمی که بر آن رفت. ترانه و غزل را شیوه‌ی دیگر بیارای.

صنوبری یکی دیگر از شاعران عصر عباسی است، که دارای اشعار احساسی زیبایی در توصیف فاجعه کبری و بیان مصیبت عظمی یعنی حماسه عاشورا ی حسین (ع) است.

یوم الحسین هرقت دم
ع الأرض بل دمع السماء
یوم الحسین ترکت باباً
لعز مهجور الفناء

(امین، ۱۴۰۶، ج ۹، ۲۳۹)

ترجمه: روز عاشورا نه تنها اشک زمین بلکه اشک آسمان را جاری کرده است. در روز عاشورا جایگاه غیرتمندی رخت بر بسته است.

جوهری از شاعران حسینی عصر عباسی با شور و حال زاید الوصفی از امام حسین (ع) سخن

می‌گوید:

زادوا علیه بحیس الماء غلته
تَبَّأ لِرَأَى فَرِيقٍ مِنْهُ مَغِیون
فجدلوه صریعاً فوق جبهته
وَقَسَمُوهُ بِأَطْرَافِ السَّكَاكِينِ

(امینی، ۱۳۶۶، ج ۴، ۸۵ و ۸۶)

ترجمه: تشنگی امام (ع) را با بستن آب افزایش دادند. چه بد است اندیشه گروهی که از این اندیشه خود زیان دیدند. او را بر روی خاک بر بالای پیشانی اش افکنده اند و او را با لبه چاقوهایشان تقسیم کردند.

حماسه‌ی عاشورا، حماسه هویت انسانی و پاسخ به این پرسش جاودانی است که انسان از کجا آمده و به کجا می‌رود و آمدنش از بهر چه بود. پیکرهای غرقه در خون، با زخم‌هایی از ستاره افزون، در برابر دیدگان تاریخ، در برابر دیدگان همه انسان‌ها، از عاشورای سال ۶۱ هجری تا به امروز و تا قیامت به انسان می‌گوید که راه کدام است و مقصد کجا. زنده داشت و نکوداشت این الگوهای قهرمانی و حماسه‌ی بی‌نظیرشان در میان شیعیان و شیفتگان سید و سالار شهیدان، حضرت امام حسین (ع) رسمی پایدار گشت، که الهام‌بخش مسلمانان در همه جا و همه زمان‌ها است.

نتیجه

حماسه جاودانی عاشورا، یکی از تأثیرگذارترین حادثه‌هایی است که در ادب شیعه به‌طور کلی و هم چنین در ادب عصر عباسی بازتاب داشته است. با نگاهی گذرا به برخی از اشعار شعرای عرب عصر عباسی این واقعیت نمایان می‌گردد که ادب عصر عباسی و شاعران توانمند آن، حماسه‌ی عاشورا را از زوایای گوناگون مورد مذاقه قرار دادند و با سرودن اشعار سوزناک، عواطف را برانگیختند.

برخی از شعرا تصویری درخشان از مظلومیت، حقانیت و عظمت خاندان پیامبر(ص) ارایه نمودند و با سوز و گداز درونی و حماسه و خروش بیرونی از حماسه عاشورا سخن گفتند. برخی از شاعران عصر عباسی، حماسه‌ی عاشورا را این گونه بیان نمودند که با شهادت حسین(ع) تکبیر و تهلیل را به شهادت رسانده‌اند و حماسه‌ی کربلا از بزرگ‌ترین فجایع روزگار است. بعضی از شعرا یادآور شدند که جرایم بنی‌عباس، کمتر از بنی‌امیه نیست. اگر بنی‌امیه امام را شهید کردند، بنی‌عباس قبر امام حسین(ع) را به آب بستند. بنی‌امیه امام حسین(ع) را شهید کردند با این که می‌دانستند پنجمین فرد از اصحاب کسا است، و با شهادت امام حسین(ع) دین احمد فرو افتاد و عزت مسلمانان پایمال شد.

اعتقاد شاعران حسینی عصر عباسی نسبت به حماسه‌ی عاشورا این بود که کربلا از دل سقیفه بیرون آمد و یا به‌خاطر انتقام از روز بدر واقع شد. حاصل آن که بازتاب حماسه‌ی عاشورا در اشعار شاعران عصر عباسی بخشی از ادبیات غنی شیعه را به‌وجود آورده و ادبیات رثایی و سوگ سروده‌های مذهبی را غنای ویژه بخشیده است. و از سوی دیگر شاعران عصر عباسی با اشعار حماسی‌شان، حادثه خونین کربلا را در آینه‌ی شهادت و در سیمای نجابت به هم پیوند دادند تا هر روز عاشورا و هر زمین کربلا تحقق یابد.

منابع

- ابن رزّیک، طلائع، ۱۳۸۳ ق، "الدیوان"، تبویب محمد هادی امینی، [بی جا]، مکتبه الاهلیه.
- ابن شهر آشوب، ابوجعفر رشیدالدین محمدبن علی، "مناقب آل ابی طالب (ع)"، قم: انتشارات علمامه، [بی تا].
- ابن عبّاد، صاحب، ۱۴۲۲هـ، "الدیوان"، شرح ابراهیم شمس الدین، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- امین نجفی، عبدالحسین احمد، ۱۳۶۶، "الغدیر"، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- امین، محسن، ۱۴۰۶ هـ. ق، "اعیان الشیعه"، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- امینی نجفی، عبدالحسین احمد، "الغدیر"، ترجمه محمد تقی واحدی، تهران: انتشارات غدیر، [بی تا].
- بروجردی، حسین، ۱۳۷۱، "جامع احادیث الشیعه فی احکام الشریعه"، به کوشش اسماعیل معزّی ملایری، قم: ناشر اسماعیل معزّی ملایری.
- حجازی، سید علی رضا، ۱۳۸۰، "حسین بن علی در آینه شعر"، قم: فارس الحجاز.
- الخزاعی، دعبل بن علی، ۱۴۱۴ هـ، "الدیوان"، شرح حسن حمد، [بی جا]: دارالکتب العربی.
- خزعلی، انسیه، ۱۳۸۳، "امام حسین (ع) در شعر معاصر عربی"، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- دُخّیل، علی محمد علی، ۱۴۲۴ هـ، "أروع ما قبل فی الامام الحسین (ع)"، بیروت: دارالمرتضی.
- الدیلمی، مهیار، ۱۳۴۵، "الدیوان"، قاهره: دارالکتب المصریه.
- سید حمیری، اسماعیل، ۱۴۲۰ هـ، "الدیوان"، شرح ضیاء حسین الأعلمی، بیروت: مؤسسه الاعلی.
- شبر، جواد، ۱۴۰۹ هـ، "ادب الطف أوشعراء الحسین (ع)"، بیروت: دارالمرتضی.
- شرف الرضی، محمدبن الحسین، ۱۳۸۰ هـ، "الدیوان"، شرح عبدالفتاح محمدالحلو، بیروت: دارصادر.
- شرف مرتضی، علی بن حسین، ۱۳۷۳، "الامالی"، ج ۱، تحقیق محمّد ابوالفضل ابراهیم، بی جا، داراحیاءالکتب العربیه.
- شمس الدین، محمد مهدی، ۱۴۱۷ ق، "واقعه کربلا فی الوجدان الشعبي"، بیروت: المؤسسة الدولية للدراسات والنشر.
- صدوق، محمدبن علی بن الحسین (ابن بابویه)، ۱۳۸۰، "عیون اخبارالرضا"، ترجمه علی اکبرغفاری و حمید رضا مستفید، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۸۱ ق، "رجال طوسی"، به کوشش محمد صادق آل بحرالعلوم، نجف: [بی تا].
- قمی، عباس، ۱۳۷۵، "نفس المهموم"، مترجم محمدباقر کمره‌ای، قم: انتشارات مسجد جمکران.
- کراجکی، ابوالفتح محمد بن علی، "کنزالفوائد"، تهران: مکتبه المصطفوی، [بی تا].
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۵، "حماسه حسینی"، تهران: انتشارات صدرا.
- وسمقی، صدیقه، ۱۳۷۱، "شاخه‌های شکسته"، تهران: انتشارات اطلاعات.